



از کدام نمونه هستید ؟

با اثر اینکه آرزو های يك شخص که همیشه بخواب می بیند درست بمعرض ظهور نمی آید قسمت خود را ملزم قرار می دهد .

ولی آیا کدام شخص کوشش کرده که علل ناکامی خود را دانسته تشخیص حقیقی آنرا کرده باشد پس هر کس باید به بیند که از نمونه های پنجگانه ذیل به کدام يك مشابهت و مقارنت دارد ؟

نمونه (آ) شخصی است که همیشه پلانیهای او در معرض تغییر و تبدل می باشد .
نمونه (ب) شخصی است که همیشه پلانیهای نامکمل می سازد .
نمونه (ج) شخصی است که دائماً توجاهت خود را شهرت میدهد که چه کند و چه طور ؟
نمونه (د) شخصی است که مقاصد خود را معطل میدارد و مواقع را می گذارد که خودش آنرا تحصیل نماید .

نمونه (س) شخصی است که هر چیز اعلی را در مقابل هیچ خواهش داشته و آنرا بچیز ادنی ارزش میدهد .

نمونه (آ) شخصی است که زحمات بسیار را متحمل شده و کار های زیاد را اجرا نموده مبلغ کافی را ذخیره نموده است حالا تجویزی دارد که از ذخائر هفته و از خود يك خانه مخصوص که صورت آنرا به دل خود می پروراند بیع نماید .

ومی سنجید که اگر اثاث البیت آنرا به کرایه گیرد و یا بخرد آنرا بدرستی حفاظت نموده از عهده تادیه پول قیمت آن برآمده می تواند درین تجویز او هیچ نقص نیست لاکن چرا شخص مذکور تا کام میماند؟ - اکنون باید اعمال آنرا تحت دقت قرار دهیم .

شخص مذکور در ذخیره کردن پول که به شرایط مخصوص آنرا جمع نموده کامیاب ولی در صرف آن مذبذب است چه در تجاوز خود رخنه انداخته است چنانچه اول بطرف بانک خود داده صرف پول را بنظر نفرت می بیند - و تفکر عمیق می کند که مبلغ جمع شده زیاد شونده را نباید صرف نمود می گوید اگر چه حقیقتاً بیع خانه سودای بی نفع نیست ولی چه ضرور که به تعجیل باشد چرا ذخیره خود را دوام نداده انتظار بک موقع بهتر را نکشم ؟

پس درین خیال خود محصور نهانده میل او بطرف دیگر چیزهای شود و بالاخره اندوخته خود را فضولانه بصرف میرساند چونکه بک مقصد معین ندارد یا نتیجه پول هم صرف می شود و بیخانه شهر هم می آید. ^{بسیار از نقطه نظر علم سایکالوجی دلیل ساده برای} این عمل موجود است. از تباطر بین شخص و اشیا و نفس بی ضمیر را به روابط پدر و پسر مماثلت و مشابهت داده می توانیم همچنان که هر گونه خیالات در نفس بی ضمیر تولید می گردد بهمان قسم خواهشات بک طفل که باید رخود در حالت قدم زدن در وضعیت نمو می باشد چنانچه بعضی از خواهشات این طفل برایش مفید نیست و برخی از آرزو هایش از اقتصادیات پدرش دور و چیزی از هوسهایش نامعقول ولی اندکی از مقاصدش قابل بجا آوردن است . طفل خواهش می کند و پدر دلیل می آرد .

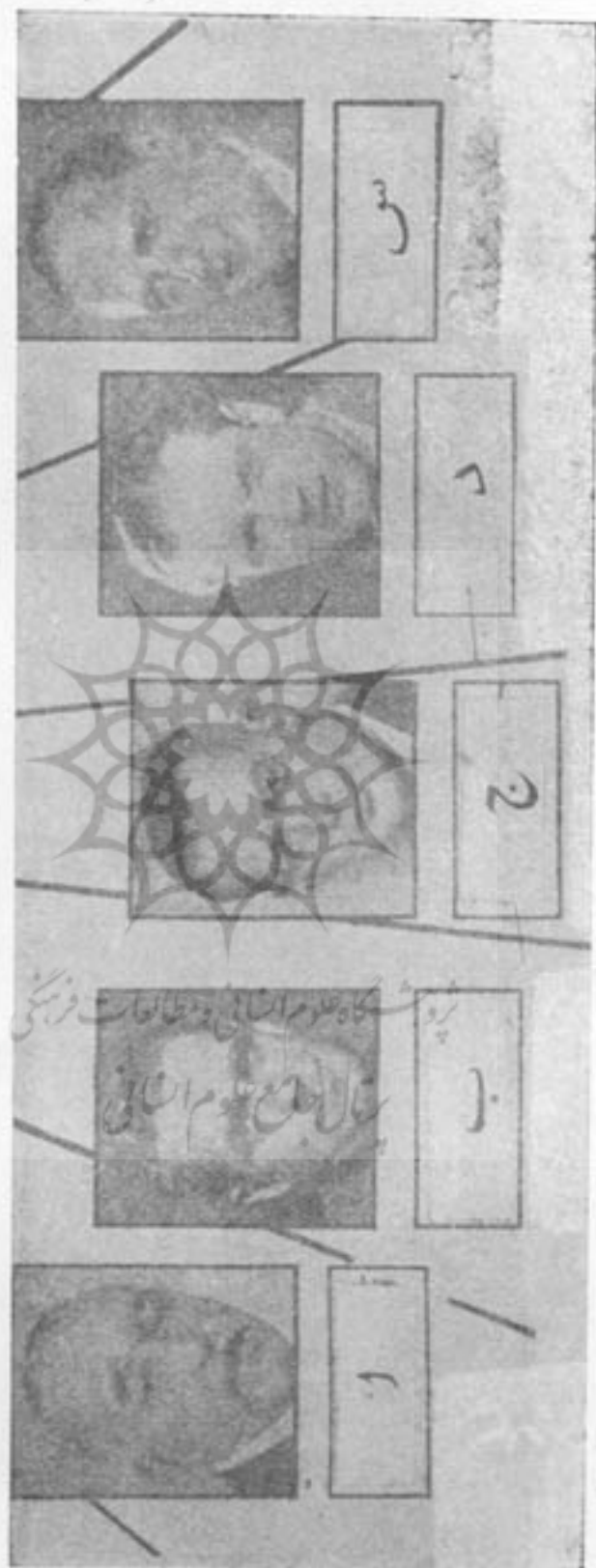
اشخاص بی ضمیرها هم مانند طفل خیالات و تصورات که بخاطر او خطور می کند بک چیز را آرزو می کنند اما اشخاص با ضمیر بر له یا بر علیه آن دلیل می آرند و می بینند که چون بک دفعه بک پلان ترتیب گردید باید پیش برده شود کسب که

يك پلان را تعقيب می کند البته طرف پیشرفت را بعض اوقات در صورتی که لازم بیند تغییر میدهد اما بهیچ صورت در خاطر او کدام خیال خطور نمی کند که از نصب العین و مقصد خود دور بیفتد .

(نمونه ب) يك شخص با فکر یست که مقاصد و آرزوهایش همیشه برای او میسر می گردد اگر چه مقصدش يك شی جزوی باشد ولی می بینیم در حالیکه او يك کامیابی فوق العاده میرسد مشاراً لیه در عین حال در زندگانی خود ناکام می ماند . چرا کامیاب نمی شود ؟ چونکه عطایای او کثیر اند مومی الیه قوه تکمیل آنرا نداشته بالعکس آنرا تنقیص و دماغ او يك عده تجاوز و ساختنهای نامکمل را اثر می کند .

شخص مذکور به اقسام تجارت ها و مسلك ها داخل شده است و يك وضعیت را اختیار می کند که انسان چنان خیال می کند بر آن همیشه ثابت می ماند ولی وقتیکه آنرا می بیند که از آن چیزی مانده ظاهری را نمی یابد آنرا ترك داده يك وضعیت دیگر را اتخاذ می کند - مومی الیه بواسطه فراست خود اجرای هر کار را بزودی یاد میگیرد و هر چیزیکه میگذرد البته به سبب اشغالگی متوسط خوبتر آنرا بمنصه ظهور رسانده می تواند - و این شخص علاوه بر این نمی باشد که حیات یست را اختیار کند چنانچه اگر یکی از مشاغل او اصلاح شود آن شخص قابل آن می شود که يك حیات مستریحانه و مسعودانه نائل گردد .

روزی چنین يك شخص را ملاقات کردم - و حقیقتاً او را شناختم که فی الحقیقت کدام شخص بود و سبب ناکامی او چیست - از او پرسان کردم که کدام شغل و عمل دارید ؟ جواب دادی فوراً یکی از مشاغل خود خود را مصرف ساخت و بعد از آن به بیابان نوشته مراجع بود ساخت که بشنوم و آنرا خوب بنواخت در عین حال برایم بدرستی کشف گردید که او رسامی و نقاشی خوب کرده می تواند و در موزیکه نیز خوب سرها کشیده



نمونه های پنجگانه اشعرا صبهکدر متن مقاله تذکره



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

می تواند. متحیر گردیدم که باعث ناکامی و عقب ماندن این شخص چیست. بالاخره یکی از کتاب های قلمی او نظرم را جلب نموده اسباب ناکامی او از آن برایم محقق گشت. در کتاب او پلان چند سلسله و اسباب و ضد اد آن، قسمت های مناظر دراما های نامکمل. افسانه های مختصر راجع به طبقات مختلف ملاحظه شد (لاکن همه نامکمل بود) قابلیت او نسبت به موزیکه یا رسم و انسان را متحیر میساخت.

پس دلیل ناکامی او چیست؟ چونکه او همه مشاغل خود را ناقص مانده و هیچ گاه ارا ده کرده نتوانسته یا قصداً نخواسته که آنرا مکمل و معقول بسازد. بالنتیجه تا درجه که خودش دیده توانسته آنرا تکمیل نموده و بقیه راهمانطور ناتمام گذاشته یعنی استعداد تکمیل یک پلان را در خود تولید نه نموده.

نمونه (ج) :- شخصی است که تجاوز از خود را شهرت میدهد و به امید و آمال زیاد دل خود را چنان قوی میسازد که تمام قوای خود را جهت تعارف و ذکای فوق العاده خود بصرف میرساند ولی کامیاب گفته نمی شود. چونکه آمال خود را بمیدان عمل آورده نمی تواند دلیلش اینست که معنای قوه نفسانی خود را تکمیل و خود را بمقصد رسانده است به عبارت دیگر قصرهای هوایی که معنادار و مجیده خود تعمیر کرده به آن دل خود را خوش ساخته به تعمیر حقیقی آن صرف مساعی نمی نماید که آنرا جامعه عملی بپوشاند.

امید یک انعام یا چنان یک قوه را در انسان تخلیق میکند که او را به تکمیل وظیفه مقرره اش اهمال و سوق می نماید انعام یا معاوضه یک امید مفهوم خوشی و سرور را در انسان مرتعش میسازد پس در اثر آن انسان خوش و مطمئن میگردد که او یک مقصد خود نائل گردیده است.

پس آیا شخصیکه به این درجه رسیده کوشش خود را جاری خواهد داشت؟
نی! یک دفعه که یک شخص به مقصد خود رسید از امیدها اطمینان برایش حاصل شده

مساعی خود را مسدود می‌سازد البته مقاصد و آرزو در صورتی به حقیقت میرسد که تجاوز بر خود را طوری اعلان کند مثلثیکه کار را قبلاً تکمیل و بمعرض اجرا درآورده است .

پس شما از آمال خود بنوعی بهتر استفاده کرده می‌توانید که از نفس خود استشاره نموده رازهای خود را مخفی داشته باشید . البته به این صورت شما کمتر مورد تنقید - حسد - تمسخر - بی احترامی واقع خواهید شد .

نمونه (د) (شخصی است (سهل انگار) که کارها را امروز و فردا گفته آنرا معطل می‌دارد البته کسیکه باین نقصان خورد خود آشنا نبوده برای ایفا و تکمیل يك عمل از بهانه جوئی های زیاد کمی نمی‌کند.

افسوس برای اخلاق آن شخصیکه مطالب خود را به وقت دیگر گذاشتن ، معطل نمودن و امروز و فردا گفتن و اعادت داشته به تحصیل آن اقدام نمی‌نماید مثلاً يك شخص رغبت و شوق بسیار دارد که خود را به عسکر وصل ساخته بگوید من فدائی هستم لاکن در صورتیکه از وقت استفاده ننموده در آن غفلت می‌کند حاصل نشدن مرام را بفوت موقع تعبیر می‌کنند پس لازم است که فرصت را غنیمت دانسته آهن را بوقت گرم آن بگوید و از هر يك يك يك ساعت استفاده کنید و تصور کنید که فردا نیست هر صبح که بیدار می‌شوید بدانید که محض امروز است . هیچ باک ندارد که مقصد غیر مهم و يك امر جزوی باشد ، البته وقتی که نوبت عمل آن رسد رأساً بمقصد پیش روید و آنرا اجرا کنید ورنه يك شعار غفلت کاری در شما تولید خواهد شد به آینده نظر کنید و از موجوده نیز غفلت نسکنید . تفصیلات و ابضاح کوچک که مقصد بزرگ شما را تامین می‌کند بخاطر داشته باشید زیرا ابضاحات کوچک بمنزله بیج های يك ماشین اند که اگر آنها باز کرده شوند اجزای ماشین به جریان اول خود از همد بگر جدا می‌افتند .

ساعت ها - روزها - هفته ها - ماهها - سالها - قرن ها از نایب ها تشکیل گردیده اند. بیست و چهار ساعت را تقسیم نمود هشت ساعت را به شغل و اجرای وظیفه تخصیص دهید و هشت ساعت را برای خواب و استراحت و هشت ساعت دیگر را برای خوردن، نوش و ایفای مراسم دینی و سپورت و ورزش معین نمایید. نمونه (س) شخصی است که اگر موقع دلخواه برایش میسر گردد در آن وقت او را خواب می گیرد یعنی ازان استفاده کرده نمی تواند.

عادت این شخص با شخص سهل انگار قریب است اگر چه این شخص يك طالب خوب و يك قسمت درخشان دارد و بهر چیز يکه دست می اندازد برایش میسر می گردد لکن از نزد او مثل يکه ما بچیز های دراز که از بین انگشتان می گریزند هم بطور از نزد او موقع خوش فوت می شود.

برای تحصیل يك شی عالی خوب کریفه می کند لکن وقت يکه به آن میرسد نمیداند که همراه آن چه کند و ازان چطور استفاده کند چونکه خود را به اخذ آن آماده نساخته و يك استعداد قبولیت آنرا در خود تولید نه نموده فرضاً شخصی را در مسابقه های بازی فٹ بال می بینید که چطور چالهای ما هرا نه را در بازی خرج می نماید و به حریفهای مقابل خود شکست های متواتر می دهد - ولی در آخر در میدان بازی مغلوب می ماند. درین وقت اگر چه بازی را بسیار دوست می دارد لکن نمیداند که از مواقع خوب بازی چطور استفاده کند بلکه ذوق یاد گرفتن آنرا ندارد.

پس لازم است که اول خود را بشهرت و مشاغل که لائق شان خود می بینید متصف سازید بعد ازان برای تحصیل مقصد خود بکوشید.

از مطالعه فوق نکات مهمه آتی را بطور نتیجه در نظر داشته باشید :-

۱ :- خواهشات و مطالب خود را بصورت مکمل و معقول بسازید که در دماغ شما

بصورت واضح و روشن منقش باشد .

۲ - خود را حسب آرزوهای خود متصف و مستعد سازید .

۳ - تجاویز خود را مکمل سازید و در آن رخنه وارد کنید تا به بینید که آیا تجاویز شما استواری ماند یانه و بعد آنرا در معرض تغییر گذاشته امتحان کنید پس با این طریق امتحانات و تحقیقات ثبوت نهائید که تجویز شما با لکل مرتب و مکمل گردیده است .

۴ - عمل را دفعه اشغال کنید و ترددات را بخاطر راه ندهید ، هیچ فرصت و لحظه را فوت مکنید .

۵ - تجاویز خود را متبدل نسازید .

۶ - از خود استشاره نموده رازهای خود را مخفی و محفوظ دارید . بالاخره کامیابی به عقل و ذکاوتیکه به مساعی و کوششها توأم است مربوط می باشد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

